

در جست‌وجوی حکمت

سیری در

زندگی، آثار و اندیشه‌های فلسفی

استاد مهدی حائری یزدی

عبدالله نصری

(استاد فلسفه دانشگاه تهران و نماینده)



انتشارات نیلوفر

سرشناسه: نصری، عبدالله، ۱۳۳۲
 عنوان و نام پدیدآور: در جست و جوی حکمت: سیری در زندگی، آثار و اندیشه‌های
 فلسفی مهدی حائری یزدی / عبدالله نصری.
 مشخصات نشر: تهران: نیوفر، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۶۶۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۶۰۴-۳
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 عنوان دیگر: سیری در زندگی، آثار و اندیشه‌های فلسفی مهدی حائری یزدی
 مؤلف: حائری یزدی، مهدی، ۱۳۰۲-۱۳۷۸. نقد و تفسیر
 رشته: فلسفه اسلامی
 هیندی کد: BBR ۵ / ۱۳۴۸ / ن ۶ د ۴ ۱۳۹۳
 شابک: ۱ / ۱۸۹
 شماره ثبت‌نشر: ۳۳۸۹ / ۴



انتشارات نیوفر

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۸۰۱۷

در جست و جوی حکمت

(سیری در زندگی و آثار و اندیشه‌های فلسفی استاد مهدی حائری یزدی)
 عبدالله نصری (استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی)

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

تنظیمات رایانه‌ای: رویا عزیزی موسوی

چاپ: گلشن

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۳	بیشگفتار
	بخش اول: زندگینامه
۲۱	۱. یک سال تولد
۲۶	عزیمت به تهران
۲۷	نامزدی و کالت مجلس
۲۹	تدریس در دانشگاه
۲۹	سرپرستی مدرسه‌ی سپهسالار
۳۰	سفر به آمریکا
۳۳	سرپرستی سفارت آمریکا
۳۶	میانجی‌گری
۳۷	بازگشت به ایران
۳۸	مشاغل علمی
۳۹	مرگ
۴۰	۲. پژوهش‌ها و تألیفات
۴۲	علم کلی
۴۴	کاوش‌های عقل نظری
۵۰	هرم هستی
۵۱	آگاهی و گواهی
۵۱	کاوش‌های عقل عملی
۵۱	اصول معرفت‌شناسی در فلسفه‌ی اسلامی؛ علم حضوری
۶۶	حکمت و حکومت
۷۲	فلسفه‌ی تحلیلی و نظریه‌ی شناخت در فلسفه‌ی اسلامی
۷۹	سفر نفس
۸۴	جستارهای فلسفی
۸۸	۳. در آیین‌های خاطرات

۸۹	فقر و روحیه‌ی پدر
۹۱	خاطره‌ای از آشتیانی
۹۳	روش سیاسی بروجردی
۹۵	رابطه‌ی بروجردی با امام خمینی
۹۶	مناسبات حائری و کاشانی
۹۹	صداقت مصدق
۱۰۰	ارادت علمی به امام خمینی

بخش دوم: در قلمرو فلسفه

۱۰۵	۴. چیستی فلسفه
۱۰۸	
۱۰۹	رابطه علم و فلسفه
۱۱۱	
۱۱۳	نظم و مابعدالطبیعه
۱۱۴	
۱۱۶	موضوع مابعدالطبیعه
۱۱۸	
۱۱۹	دو پرسش مهم
۱۲۰	
۱۲۲	معیار اسلامی بودن فلسفه اسلامی
۱۲۳	
۱۲۴	فلاسفه‌ی اسلامی و ملامت
۱۲۵	
۱۲۶	نسبت دین با فلسفه
۱۲۷	
۱۲۸	نقد فلسفه‌ی اسلامی
۱۲۹	
۱۳۰	فهم غلط کرین از فلسفه‌ی اسلامی
۱۳۱	
۱۳۲	فلسفه‌ی تحلیلی
۱۳۳	
۱۳۴	۵. عوارض ذاتیه
۱۳۵	
۱۳۶	اجزای علوم
۱۳۷	
۱۳۸	موضوع علوم
۱۳۹	
۱۴۰	میادی علوم
۱۴۱	
۱۴۲	مسائل علوم
۱۴۳	
۱۴۴	معانی عرض و عرضی
۱۴۵	
۱۴۶	عوارض ذاتی
۱۴۷	
۱۴۸	دیدگاه حائری
۱۴۹	
۱۵۰	عوارض ذاتی بین و غیربین
۱۵۱	
۱۵۲	تفسیر سخن ملاصدرا
۱۵۳	
۱۵۴	نقد علامه طباطبایی
۱۵۵	
۱۵۶	۶. حکمت متعالیه
۱۵۷	
۱۵۸	دو نوع زبان

۱۵۲	اصالت وجود یا زبان برتر
۱۵۴	ویژگی حکمت متعالیه
۱۵۵	نقد حائری
۱۵۸	سرقات الصدرا
۱۶۱	۷. فلسفه‌ی تطبیقی
۱۶۱	امکان فلسفه‌ی تطبیقی
۱۶۷	ترجمه‌ی فلسفه‌ی غرب
۱۷۰	عرفی فلسفه‌ی اسلامی به غرب
۱۷۲	علیت در هیوم و ابن سینا
۱۷۴	چند هستی‌شناسی فیضان غرب
۱۷۶	تضاد علمی
۱۷۹	نظریه‌ی تنوع در راسل
۱۸۴	نقد مور بر ابراهام
۱۸۶	نقد پدیدارشناسی
۱۸۷	معمای راسل

بخش دوم معرفت‌شناسی

۱۹۵	۸. برهان عالم خارج
۱۹۶	فلاسفه‌ی اسلامی و اثبات عالم خارج
۱۹۹	کانت و علم ما به عالم خارج
۲۰۱	راسل و اثبات عالم خارج
۲۰۳	حائری و اثبات عالم خارج
۲۰۵	عدم ضرورت علم به عالم خارج
۲۰۷	نظریه‌ی مطابقت
۲۱۱	ایدئالیسم
۲۱۲	۹. وجود ذهنی
۲۱۹	اشکال وجود ذهنی
۲۲۱	ایراد کانت
۲۲۱	پاسخ ابن سینا
۲۲۲	چند نظریه
۲۲۵	راه حل ملاصدرا
۲۳۰	نتیجه‌گیری
۲۳۱	جمع‌بندی
۲۳۲	نقد سبزواری
۲۴۲	۱۰. علم حضوری

۲۳۵	 دو نظام معرفت‌شناسی
۲۳۶	 معرفت‌شناسی فیلسوفان اسلامی
۲۳۸	 علم حصولی
۲۳۹	 تبیین علم حصولی
۲۴۱	 تفاوت‌های معلوم بالذات با معلوم بالعرض
۲۴۲	 ویتگنشتاین و دو نوع معلوم
۲۴۵	 اقسام علم حضوری
۲۴۸	 سهروردی و علم حضوری
۲۴۹	 روش تبیین علم حضوری
۲۵۰	 علم به خود
۲۵۴	 علم به نوا ی نفس
۲۵۶	 ویتگنشتاین و معرفت حضوری
۲۵۹	 بنیادین نظری راسل
۳۶۴	 ۱۱. اتساع عقل معمول
۳۶۶	 اصول منطق اتحاد عقل و معقول
۳۷۲	 صورت منطق عقل
۳۷۳	 تفسیر سخن ملاصدرا
۳۷۷	 نظریه‌ی مختار
۳۷۸	 نقد حائری
۳۷۹	 نقد رفیعی قزوینی
۳۸۲	 نقد سبزواری و علامه طباطبائی
۳۸۴	 چند نکته
۳۸۶	 نتایج اتحاد عاقل و معقول
۳۸۹	 ۱۲. موجهی سالبه‌المحمول
۳۹۱	 تعریف موجهی سالبه‌المحمول
۳۹۳	 علامه طباطبائی و نفی سالبه‌المحمول
۳۹۴	 آزمون صبق
۳۹۶	 روش توصیف
۳۹۷	 قضیه‌ی معدوله
۳۹۹	 نقد علامه طباطبائی بر حائری
۴۰۰	 پاسخ حائری
۴۰۲	 تمایز تصدیق از قضیه
۴۰۵	 تحلیل منطقی تمایز
۴۰۸	 ۱۳. قضایای حقیقی

۳۰۸	تقسیم‌بندی قضایا
۳۱۱	نقد یک دیدگاه
۳۱۲	سرایت در طبیعت
۳۱۳	نقد سبزواری
۳۱۳	نقد نایینی
۳۱۶	رابطه‌ی قضایای حقیقی و شرعی
۳۲۰	مشتقات و قاعده‌ی فرعیه
۳۲۲	نفس‌الامر
۳۲۴	نقد منطق جدید
۳۲۶	نقد حدیث
۳۳۳	۱۴. اسرار
۳۳۳	رابطه‌ی اسرار
۳۳۴	نظر متفکران اسلامی
۳۳۵	هیوم و استقر
۳۳۵	راسل و نقد استقر
۳۳۷	نقد استقرا
۳۳۸	تقسیم و استقرا
۳۳۹	فرد بالذات
۳۴۲	فرق طبیعت با فرد بالذات
۳۴۵	یک اشکال
۳۴۶	فرد بالذات و استقرا
بخش چهارم: هستی‌شناسی	
۳۵۱	۱۵. وجود رابط
۳۵۳	تقسیم مفهوم وجود
۳۵۴	جایگاه منطقی وجود نفسی
۳۵۶	جایگاه منطقی وجود رابطی
۳۵۹	جایگاه منطقی وجود رابط
۳۶۰	وضع منطقی محمول
۳۶۱	اضافه‌ی اشرافی
۳۶۷	۱۶. کانت و تحلیل هستی
۳۷۱	مقایسه‌ی نظریه‌ی کانت با فلسفه‌ی اسلامی
۳۷۲	اشکالات نظریه
۳۷۷	وجوه اشتراک با فلسفه‌ی اسلامی
۳۸۱	۱۷. برهان وجودی

۳۸۱	برهان آنسلم
۳۸۴	توماس و نقد آنسلم
۳۸۹	ذکارت و تفسیر برهان وجودی
۳۹۳	کانت و نقد برهان وجودی
۳۹۷	ضرورت ازلی
۴۰۰	پاسخ کانت
۴۰۲	۱۸. برهان صدیقین
۴۰۲	تقریر ابن سینا
۴۰۲	دیدگاه ملاصدرا
۴۰۵	روش حائری
۴۰۷	بدور
۴۱۳	هرم
۴۱۳	نقد و حائری
۴۱۴	نقد ابن سینا
۴۱۵	وحدت و وحدانی
۴۱۶	مبانی نظریه
۴۲۰	هرم هستی

بخش بیستم: فلسفه‌ی اخلاق

۴۲۵	۲۰. تحلیل عقل نظری و عقل عملی
۴۲۵	تفسیرهای تمایز دو عقل
۴۲۹	دیدگاه حائری
۴۳۲	تحلیل دیدگاه ابن سینا
۴۳۹	نقد مظفر
۴۴۱	تمایز قضایای عقل نظری و عملی
۴۴۴	نقد قطب‌الدین رازی
۴۴۷	۲۱. تحلیل بایستی‌ها
۴۴۹	تمایز فلسفه‌ی اخلاق از علم اخلاق
۴۵۰	اعتبارات
۴۵۱	قضایای اخلاقی
۴۵۳	پرسش هیوم
۴۵۴	تحلیل بایستی
۴۵۷	دیدگاه علامه طباطبائی
۴۶۰	مطهری و اعتباریات
۴۶۲	نظریه‌ی مصباح

۴۶۴	لاریجانی و تحلیل باید
۴۶۷	دو بایستی
۴۶۹	نقد جعفر سبحانی
۴۷۳	نقد لاریجانی
۴۷۷	استنتاج منطقی
۴۸۰	۲۲. حسن و قبح عقلی
۴۸۱	تعریف حسن و قبح
۴۸۴	ضرورت عقلی حسن و قبح
۴۸۵	ملاک حسن و قبح
۴۹۱	لایزال بودن قبح عقلی
۴۹۵	تقسیم سخن
۵۰۳	کدام سخن
۵۰۵	نقد سبحانی
۵۰۷	نقد لاریجانی
۵۰۹	انتزاعی بودن حسن و قبح

بخش هفتم: فلسفه‌ی عرفان

۵۱۰	۲۳. تحلیل فلسفی عرفان
۵۱۵	چیستی عرفان
۵۱۷	پرسش‌های مهم
۵۱۸	تقسیم‌بندی عرفان
۵۲۰	دین و عرفان
۵۲۲	معرفت عرفانی
۵۲۵	اتحاد عرفانی
۵۲۷	قنا
۵۲۸	فرا عرفان
۵۳۱	ابن عربی و فلسفه‌ی عرفان
۵۳۱	نقد راسل

بخش هفتم: اندیشه‌ی سیاسی

۵۳۷	۲۴. فلسفه‌ی سیاسی
۵۴۰	تمایز فلسفه‌ی سیاست از علم سیاست
۵۴۳	چیستی جامعه
۵۴۵	تحلیل مفهوم حکومت
۵۵۱	اعتباری بودن حکومت

۵۵۲	 علت تشکیل حکومت
۵۵۴	 مالکیت خصوصی مشاع
۵۶۱	 حاکمیت ملی
۵۶۱	 رابطه‌ی شهروندان با دولت
۵۶۵	 نقد دموکراسی و پلورالیسم
۵۶۷	 ویژگی‌های حاکم
۵۷۲	 وکالت
۵۷۴	 نقد نظریه‌ی قرارداد اجتماعی
۵۸۰	 ۲۵. تحلیل حکومت از منظر دین
۵۸۰	 نفی ولایت در زعامت
۵۸۳	 تحلیل عده‌ی لطف
۵۸۸	 حسن اجرا از ابلاغ
۵۹۰	 عدم امکان تفریع در اجرائیات
۵۹۴	 رابطه‌ی حاکمیت سیاسی با عمل سیاسی
۵۹۸	 شان سال
۶۰۰	 استناد به قرآن
۶۰۲	 تحلیل آیات
۶۰۸	 احکام حکومتی
۶۱۰	 وجوه افتراق ولایت با وکالت
۶۱۶	 نقد نظریه‌ی وکالت
۶۲۲	 تعارض جمهوریت با ولایت
۶۳۱	 منابع و مآخذ
۶۳۷	 فهرست اعلام



پیشگفتار

چرا می‌باید آن را زیبا پرس
 زیر و بالا از کش پر نور بین
 گوهر اشک بگریز عشق
 خون دل می‌بین و با سوزن
 صد هزاران مرغ دل پر شده
 صد قیامت در بلای عشق
 چند پرسی شمس تبریزی که بود

آن چه رفت از عشق او، از ما پرس
 ز احتراز آن قد و بالا پرس
 وز صفا و موج آن دریا پرس
 وز نگار شنگ سر غوغا پرس
 تو ز کوه قاف و از عنقا پرس
 در نگار امروز و از فردا پرس
 عشق جیحون بین و از دریا پرس

وقتی وارد کلاس می‌شد تا پشت میز قرار گیرد و درس را آغاز کند، هیبت و عظمت او، تو را بر آن می‌داشت که بگویی «حکمتی» مدتی نام خدا درس را آغاز و مباحث خود را به صورت منظم دنبال می‌کرد. موضوع درس را از نقطه‌ای خاص شروع می‌کرد و در نقطه‌ای خاص، آن را به پایان می‌برد. اگر هر روز مانند شفا و اسفار را درس می‌داد، در ابتدا مطالب یک قسمت از متن را با خود تقریر می‌کرد، سپس متن را می‌خواند و با توضیحات خود، گره‌های متن را می‌گشود. هر جا که ضرورت ایجاب می‌کرد، آراء یک فیلسوف اسلامی را با آراء فیلسوفی غربی مقایسه می‌کرد. در این مقایسه هم، هیچ‌گاه از جاده‌ی انصاف خارج نمی‌شد، چرا که معتقد بود همه‌ی حقایق، از آن یک قوم و ملت یا یک مکتب فکری

خاص نیست. هم به نقاط ضعف و قوت فلسفه‌ی اسلامی توجه داشت و هم به ابعاد مثبت و منفی آراء فیلسوفان غربی. با این‌که عمری را در راه فراگیری فلسفه‌های مشاء و حکمت متعالیه و حتی اشراق گذرانده و در عین حال نزد استادان بزرگه متون فلسفی فیلسوفان غربی را فرا گرفته بود و به اصطلاح، جامع‌الحکمتین به‌شمار می‌آمد. نه اسیر تعصب‌های بیهوده بود و نه خودباخته‌ی این یا آن فلسفه.

وقتی به ایران آمد، ولی نتوانست باز گردد، به تدریس پرداخت تا شاگردانی پیدا کند که گام‌های بلندی در جهت تفکر انسانی - اسلامی بردارند. حتی درصدد تأسیس یک آکادمی برآمد تا در حوزه‌ی علوم انسانی، به‌ویژه فلسفه‌ی شرق و غرب، به راه‌های جدی صورت گیرد، اما از آن‌جا که فضای فرهنگی جامعه را به‌گونه‌ای ندید که توفیق حاصل کند، آن را رها ساخت و به شاگردپروری پرداخت.

در مواجهه با تفکر غربی، سخت‌گیرانه و افراط و تفریط پرهیز داشته چرا که معتقد بود فلسفه و تفکر، یک سره‌ای است و در مواجهه با آن، خواه شرقی باشد و خواه غربی، باید اولاً آن را درست فهمید سپس به داوری در باب آن پرداخت و حتی برخی مضامین یک حوزه‌ی فلسفی را در آثار ردهای فلسفه‌های دیگر حل کرد. مطالعات عمیق او در باب فلسفه‌ی غرب به‌ویژه فلسفه‌ی تحلیلی، موجب شده بود تا از یک‌سو متفکران غربی را جدی بگیرد و از سوی دیگر، نگاه عمیق‌تری به فلسفه‌ی اسلامی پیدا کند و حتی از توانمندی‌های فلسفه‌ی اسلامی در نقد آراء برخی فیلسوفان غربی، بهره‌برداری‌های بسیار کند.

در اکثر بحث‌های تطبیقی خود، به‌نوعی با متفکران غربی گفت‌وگو می‌کرد و گاه دو فیلسوف شرقی و غربی را به گفت‌وگوی بایکدیگر وامی‌داشت. مطالعات گسترده‌ی او در فلسفه و علم اصول و تدریس فلسفه در دانشگاه‌ها و

مراکز علمی و نشست و برخاست با شخصیت‌های بزرگ شرق و غرب، برای او ذهنیتی به وجود آورد که هیچ شخصیت فکری، از فیلسوف و اصولی گرفته تا فقیه و عارف را برای خود اسطوره نسازد. حتی با همدی ارادت علمی‌ای که به ملاصدرا داشت، با تقد‌های خود بر وی، نشان داد که باید با او به عنوان یک متفکر بزرگ مواجه شد، نه اسطوره‌ای که آدمی را از اندیشیدن و نقادی باز می‌دارد. سر عقلی برای او اصالت بسیار داشت، حتی آن هنگام که در باب عرفان سخن می‌گفته و می‌کار خود را در فلسفه‌ی عرفان قرار می‌داد و به شدت، از ارادت‌های مراد و مریدی بر وی می‌جست، به ما شاگردان خود نیز یاد داد تا از او یک اسطوره نسازیم و با او به عنوان مراد و مریدی نداشته باشیم و حتی با تواضع بسیار، در پی آن بود که اگر کسی به او ادب داشت، بیان کنیم.

توجه او به ابن‌سینا هم از این جهت بود: یکی عقل‌گرایی او و دیگری، روش فکری و تعلیمی وی که هرگز حوزهای مختلف فکری را با یکدیگر خلط نمی‌کرد. طرح مباحث مختلف در آثار ملاصدرا را هم بیشتر مربوط به روش نگارش او می‌دانست که پس از طرح یک مسئله یا بحث فلسفی، گاه به آیات و روایات و مطالب حکما و عرفا استشهاد کرده است. خود را نیز در تعلیم و تدوین آثارش از روش ابن‌سینا پیروی می‌کرد، نه ملاصدرا.

از آغاز تحصیل، فراگیری دروس حوزوی را آن چنان برای او جالب و جذاب بود که در نوجوانی، توانست تدریس را آغاز کند. یک بار سید جلال‌الدین استیانی از او پرسید: «نمود که من نزد حائری درس خوانده‌ام. وقتی به او گفتم که شما فقط دو سال در آنجا بودید، ایشان کوچک‌تر بودید، پس چگونه شاگردی او را کردید، گفت: حائری، خیلی زود در حوزه درخشید. هر چند در آغاز تدریس بیان دشواری داشت، اما تسلط وی بر درس و بحث بسیار بود.»

رشد علمی زودهنگام و تلاش‌های فکری گسترده‌اش در فراگیری مکاتب فلسفی اسلامی و غربی و صراحت‌گویی او موجب شده بود که گاه، به هنگام مواجهه با برخی تفسیرهایی که از آراء فیلسوفان می‌شد، تاب نیاورده و به گونه‌ای سخن بگوید که خواننده‌ی ناآشنا با شخصیت او، احساس کند وی دارای غرور علمی است. در سلوک شخصی خود بسیار متواضع بود و حرمت همگان، به‌ویژه شاگردان خود را بسیار پاس می‌داشت. اگر هم گاه عصبانی می‌شد، ریشه‌ی آن را باید بر بخش نامایماتی که بر وی رفته بود سراغ گرفت.

آنها به باید قدرش را می‌شناختند تا از دانش گسترده‌اش بهره‌برداری کنند، نه تنها علمی، او می‌پادند، که گاه اسباب رنجش او را نیز فراهم کردند. انتظارش از اهل علم و فلسفه آن بود که به آثارش توجه کرده و با تحلیل و نقد آنها، زمینه‌ی بحث و گفتگوهای فکری را فراهم آورند، اما نه تنها این‌گونه نشد، که حتی کسانی که اهل علم بودند به خالصانه‌ی ارائه‌ی نظریه‌ای جدید در حوزه‌ی فلسفه‌ی سیاسی، با استفاده از روش‌های تازه‌ها به او ناسزا گفتند. همه‌ی این عوامل، روز به روز، او را گوشه‌گیرتر و رنجورتر ساخت. بیماری پارکینسون هم که به جانش افتاده بود، به کلی او را خانه‌نشین کرد. در اواخر عمر، با وجود این که در طول روز فقط چند ساعت می‌توانست سخن بگوید، بار که سؤالی مطرح می‌شد، با انگیزه و قدرت ذهنی بسیار بالا به پاسخ‌گویی پرداخت. یک‌بار که برای عیادت به دیدارش شتافتم، سؤالی را مطرح کردم. با دقت بسیار پاسخ گفت. هر چند من اعتراضی بر پاسخ او نداشتم، اما مرا بر آن داشتم که بر روی یک صندلی چرخ‌دار نشسته بود، به اتاق مجاور ببرم تا از لابه‌لای پنجه‌های کتابی را بردارد. به یک کتاب انگلیسی که در زمینه‌ی معرفت‌شناسی بود اشاره کرد، آن را از قفسه بیرون آوردم و همراه او به اتاقی که محل استراحتش بود

باز گشتیم. صفحاتی از کتاب را باز کرد و با خواندن متن و ترجمه‌ی آن به این کمترین شاگرد خود آموخت که همواره باید مستند سخن گفت.

سخن در باب شخصیت فکری و اخلاقی حائری بسیار است و در این مقدمه‌ی کوتاه بنا ندارم خیلی حرف‌ها را عنوان کنم. شاید در فرصتی دیگر، برخی گفته‌ها بازگو شود. آنچه در این جا مهم است، اصل آراء و اندیشه‌های فلسفی است که در این کتاب تلاش شده تا ابعادی از آنها تحلیل و تبیین شود. امیدوارم در روزگار معاصر، معاصرت موجب شده تا متفکران زمانه‌ی ما به‌درستی شناخته نشوند، این اثر بتواند افش‌پژوهان، به‌ویژه اصحاب فلسفه را با یکی از فیلسوفان بزرگ معاصر آشنا کند.

در پایان بر خود لازم می‌بینم از تلاش‌های پیگیر سرکار خانم معصومه شریعت که امور آماده‌سازی و ویرایش کتاب را بر عهده داشتند، تشکر و قدردانی نمایم.

والسلام

دکتر نصری

۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ ه. ق. باقی‌با:

۱۰ ذی‌حجه ۱۴۱۰